



نظام حقوقی سینما در فرانسه

نویسنده: امانوئل دریو*
استاد دانشگاه پاریس

مترجم: مجید ادیب
کارشناس ارشد حقوق خصوصی

مقدمه

گرچه سینما یکی از انواع شیوه‌های بیان افکار و عقاید و یکی از ابزارهای پدیدآورندگی هنری است اما در فرانسه، یک نظام حقوقی بر آن حاکم است که ظاهراً از عناصر تشکیل‌دهنده و از علایم مشخصه یک سیستم آزاد ارتباط جمعی، بسیار فاصله دارد. اگر چه عمده فعالیت در این زمینه، مربوط به بخش خصوصی است اما این بخش، در انحصار بخش خصوصی نبوده و همه‌چیز در اختیار این بخش نیست زیرا اگر نگوییم که رژیم دولتی بر آن حاکم است، دست کم باید گفت که یک نظام یارانه‌ای بر سینمای فرانسه حاکم است و بخش خصوصی در این زمینه از آزادی کامل برخوردار نیست و فعالیت‌های سینمایی، در همه مراحل، از تولید گرفته تا نمایش، مشمول اشکال مختلف مجوزها و کنترل‌های پیشاپیش اداری هستند.

یکی از ویژگی‌های رژیم حقوقی سینما در فرانسه که به وضوح به چشم می‌خورد، تعدد کمیسیون‌ها و نهادهای نظارت و کنترل است. این کمیسیون‌ها و نهادها به اشکال و به دلایل مختلف، در روند فعالیت سینمایی دخالت می‌کنند. البته تردیدی در این نیست که دست کم تا حدودی، هدف این است که آزادی فعالان سینمایی و در نتیجه آزادی عمومی تضمین شود. اما به نظر می‌رسد که در این زمینه، راه‌های عجیبی در پیش گرفته شده است و تناقضاتی نیز در این عرصه وجود

دارد.

اگر چه با وجود این دخالت‌های متعدد دولت یا به دلیل این مخالفت‌ها، فعالیت سینمایی در فرانسه، در عین حال، نسبتاً آزاد به نظر می‌رسد. اما بی‌تردید، این آزادی، از آن معنا و مفهوم کلاسیک خود، فاصله دارد. زیرا هر چند که اصولاً سینما در فرانسه، در اختیار بخش خصوصی قرار دارد اما در نظام قانونی سینمای فرانسه، هم عناصری از کنترل پیشاپیش یا پیشگیرانه اداری وجود دارد که بیشتر، نشانگر و تشکیل‌دهنده یک نظام اقتدارگراست و هم شامل انواع کمک‌های دولتی است که بیشتر با نظریه نوین دولت مداخله‌گر یا حق مردم برای آگاهی یا فرهنگ، سازگاری دارد.

این ویژگی خاص نظام حقوقی سینما، هم در زمینه انجام فعالیت‌های سینمایی (ساختار قانونی شرکت‌ها و اشخاص شاغل در حوزه سینما) به چشم می‌خورد و هم در مورد کنترل خود فیلم‌های سینمایی صادق است.

کلیدواژه: آزادی بیان، آزادی عمومی، سینما، حقوق رسانه، حقوق فرانسه

*- این مطلب از کتاب «حقوق ارتباطات» نوشته امانوئل دریو، استاد دانشگاه پاریس است.
Emmanuel Derieux, Droit de la communication, 4e e'd. L.G.D.J, 2003,
P.243 a 260.

۲. انجام فعالیت‌ها

بر اساس مقررات آئین‌نامه‌ای قانون سینما، «تولید هرگونه فیلم سینمایی، چه بلند و چه کوتاه، پس از رأی یک کمیسیون ویژه، مستلزم دریافت مجوز تولید از مدیر عامل مرکز ملی سینما است». در تقاضای مجوز، حتماً باید «نام موقت فیلم، شرایط فنی تولید آن و مدت قابل پیش‌بینی برای فیلمبرداری، چکیده‌ای از داستان فیلم، نام بازیگران اصلی و دست‌اندرکاران اصلی و برآورد هزینه‌های مالی آن ذکر شود».

حتی پیش از آنکه این مجوز تولید یا فیلمبرداری صادر شود، فیلم‌های بلند باید «نظر قبلی» رئیس کمیسیون موسوم به «طبقه‌بندی» را نیز دریافت کنند.

ماده ۹۰ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ راجع به رسانه‌های شنیداری و دیداری مقرر می‌دارد: «هرگونه همکاری یا توافق میان شرکت‌های نمایشی سینمایی به منظور نمایش آثار سینمایی در سالن، مستلزم موافقت قبلی مدیر عامل مرکز ملی سینماست». هدف اصلی در اینجا این است که از تراکم‌ها و توافقات ناسالم جلوگیری شود و بدین ترتیب، زمینه یک رقابت واقعی در توزیع فیلم‌ها و بهره‌برداری از سالن‌ها فراهم آید. مطابق بند دوم ماده ۹۰، «این موافقت، فقط در مورد همکاری‌ها یا توافقی‌هایی صورت می‌گیرد که در برابر رقابت آزاد و انتشار گسترده آثار که در خدمت منافع عمومی است مانع ایجاد نکنند و زمینه را برای ایجاد تنوع در تولید سینمایی فراهم آورند».

ماده ۹۲ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ نیز روش ویژه‌ای را برای حل اختلاف، تعیین کرده است که «توسط میانجی سینمایی به اجرا در می‌آید» و هدف آن، «حل اختلافات راجع به پخش آثار سینمایی در سالن‌هاست. این اختلافات، مربوط به مواردی است که از یک وضعیت انحصاری عملی و موقعیت مسلط یا هرگونه وضعیت دیگر ناشی می‌شود که هدف آن یا اثر آن، محدود کردن یا اختلال در روند رقابت است». بر اساس بند آخر ماده ۹۲: «در صورت بی‌نتیجه ماندن میانجیگری و در صورتی که اختلاف، در صلاحیت شورای رقابت باشد، میانجی سینما می‌تواند به این شورا مراجعه کند و اگر وقایع ارتکاب یافته، جنبه کیفری داشته باشند می‌تواند به دادسرا مراجعه نماید». ساخت، آماده‌سازی و بهره‌برداری از سالن‌های نمایش سینمایی نیز نیاز به مجوز دارد. اعطای این مجوز نیز مستلزم رعایت برخی معیارهای فنی است که مانند هر مکانی که برای پذیرایی عموم در نظر گرفته می‌شود، قواعد ایمنی در درجه اول اهمیت قرار دارند.

ثبت هرگونه اسناد و اقدامات راجع به تولید و نمایش فیلم‌های سینمایی، تضمینی برای همه سرمایه‌گذاران، دارندگان حقوق و دیگر دارندگان است. این ثبت، یکی از شرایط توسعه متوازن بخش سینماست.

رژیم خاص کنترل‌ها و مجوزها، در صنعت سینما علاوه بر این مقررات راجع به شرکت‌ها و فعالیت‌های آنان، وضعیت قانونی شاغلان در سینما را نیز در برمی‌گیرد.

ب: وضعیت قانونی شاغلان

مطابق ماده ۱۵ قانون صنعت سینما، «همکاران اصلی شرکت‌های وابسته به صنعت سینما و همکاران در زمینه تولید فیلم، باید کارت شناسایی حرفه‌ای داشته باشند که توسط مرکز ملی سینما صادر می‌شود».

آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۵ مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۶۴ که توسط مرکز ملی سینما تصویب شد، لیست اشخاصی را که «باید کارت شناسایی

بخش اول: فعالیت‌های سینمایی

فعالیت‌های سینمایی در فرانسه، مشمول یک نظام حقوقی هستند که در زمینه کنترل‌ها و مجوزها، از ویژگی‌هایی خاص و پیچیده برخوردارند. این فعالیت‌ها از لحاظ قانونی، مورد حمایت دولت قرار دارند. اصول آزادی عمل خصوصی و قوانین بازار در این زمینه دچار اختلالات، استثنائات و محدودیت‌هایی واقعی است تا آزادی آنها بهتر تأمین شود!

گفتار ۱: کنترل‌ها و مجوزها

اگر چه صنعت سینما در فرانسه، عمدتاً در اختیار بخش خصوصی قرار دارد اما آزادی عمل، واقعاً در این بخش وجود ندارد. راهیابی به مشاغل مختلف سینمایی و تأسیس شرکت‌ها یا فعالیت این شرکت‌ها از هر نوعی که باشند و در هر مرحله‌ای، منوط به اخذ مجوز یا دست کم، مستلزم کنترل‌های متعدد است. بخش سینمایی به شدت مقرراتی و تحت مراقبت است. آیا این نظارت، چه از نوع اداری و چه حرفه‌ای که در واقع نیمه اداری و نیمه حرفه‌ای است، و ظاهراً محدودکننده و الزام‌آور به نظر می‌رسد، یک محدودیت به شمار می‌رود؟ یا برعکس، یک مزیت یا یک شرط تضمین آزادی سینما و حامی شاغلان یا شرط دریافت یا کمک‌های دولتی محسوب می‌شود؟

کنترل فعالیت‌های سینمایی، به ویژه توسط مرکز ملی سینما (CNC) که یک مؤسسه اداری دولتی است صورت می‌پذیرد. در بخش اول قانون صنعت سینما، وظایف مرکز ملی سینما ذکر شده است که مطابق آن، این مرکز موظف است که «به منظور بهره‌برداری صحیح‌تر از نیروی کار، نوسازی شرکت‌ها و هماهنگ‌سازی شاخه‌های مختلف صنعت سینما، مقررات لازم را برای هماهنگی برنامه‌های کاری شرکت‌ها تدوین کند». این کنترل دائمی و نزدیک فعالیت‌های سینمایی، هم شامل شرکت‌هاست و هم شامل اشخاص شاغل.

الف: ساختار قانونی شرکت‌ها

ساختار ویژه شرکت‌های سینمایی که متشکل از کنترل‌ها و مجوزهاست، از یک سو، تأسیس و سازمان آنها را در برمی‌گیرد و از سوی دیگر، انجام فعالیت‌های آنها را شامل می‌شود.

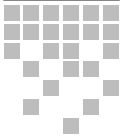
۱. تأسیس و سازمان شرکت‌ها

بر اساس ماده ۱۴ قانون صنعت سینما، «کلیه شرکت‌هایی که متعلق به یکی از شاخه‌های صنعت سینما باشند فقط پس از دریافت مجوز می‌توانند به فعالیت بپردازند. این مجوز، قابل ابطال است و ممکن است محدود به یک دوره معین باشد».

آئین‌نامه صادره از سوی مرکز ملی سینما «راجع به مجوزهای فعالیت سینمایی»، مورخ ۲ مارس ۱۹۴۸ در ماده ۱ خود مقرر می‌دارد که «کلیه شرکت‌های متعلق به یکی از شاخه‌های صنعت سینما، برای انجام فعالیت، باید از مدیر عامل مرکز ملی سینما مجوز دریافت کنند».

این مجوز، از یک سو مستلزم آن است که شرکتی که متقاضی آن است، تحت مدیریت کسی نباشد که این فعالیت، بر اساس یک تصمیم اداری یا قضایی، برای او ممنوع شده باشد و از سوی دیگر، مستلزم آن است که حداقل سرمایه آن که برحسب ماهیت فعالیت‌ها (تولید، توزیع یا نمایش) متفاوت است، بر اساس همان آئین‌نامه صادره از سوی مرکز ملی سینما تعیین شده باشد.

علاوه بر اینکه تأسیس و سازمان شرکت‌های سینمایی، مستلزم اخذ مجوز و کنترل است انجام فعالیت آنها نیز نیازمند مجوز و کنترل است.



حرفه‌ای داشته باشند» تعیین کرده است که مهمترین آنها عبارتند از: (دستیار اول کارگردان، کارگردان، دستیار اول فیلمبردار، فیلمبردار و مدیر فیلمبرداری، دستیار اول طراح صحنه، طراح صحنه، دستیار صدا و مدیر صدا برداری).

بر اساس همان آئین‌نامه ۱۰ ژوئیه ۱۹۶۴، صدور این کارت حرفه‌ای، مستلزم ارائه «کلیه اسناد، مدارک، گواهی‌ها، تأییدیه‌ها و قراردادهایی است که نشانگر صلاحیت حرفه‌ای متقاضی است». راهیابی به هر یک از این حرفه‌ها، منوط به دریافت مدرک حرفه‌ای یا حداقل، منوط به انجام برخی فعالیت‌های مذکور در برخی از فیلم‌هاست.

بی‌تردید ممکن است مجوزها و کنترل‌های راجع به فعالیت‌های سینمایی، چه در مورد شرکت‌ها و چه در مورد شاغلان در عرصه سینما، در نظر اول، برخلاف اصل آزادی باشند، اما شاید هدف اصلی از این مقررات، تضمین این آزادی باشد زیرا مقررات مذکور، به ویژه در صدد آنند که صلاحیت حرفه‌ای و توانایی مالی کسانی را که به فعالیت سینمایی می‌پردازند، تضمین کنند. بدین ترتیب است که حقوق سینماگران و حقوق مخاطبان عمومی، بهتر حفظ می‌شود و به همین هدف است که سیستم حمایت دولتی از فعالیت‌های سینمایی، بنیان نهاده شده که هدف آن این است که این آزادی سینما، جنبه واقعی و عینی پیدا کند.

گفتار ۲: حمایت دولت

حمایت دولت از فعالیت‌های سینمایی، از کانال‌ها و روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد. این حمایت، اصولاً یک سیستم «کمک دولتی» بوده است. به نازگی، این سیستم کمک‌کننده به واسطه یک سیستم تشویق به سرمایه‌گذاری خصوصی در زمینه فعالیت‌های سینمایی تکمیل شده است. سیستم اخیر، به واسطه «شرکت‌های تأمین مالی صنایع سینمایی و شنیداری و دیداری» (SOFICA) به اجرا در می‌آید. علاوه بر این، به منظور حمایت بیشتر از فعالیت‌های سینمایی، یک «سیستم حمایت» از تلویزیون و ویدئو نیز در نظر گرفته شده است.

۱. کمک‌های دولتی

مدهاست که فعالیت‌های سینمایی در فرانسه، در هر مرحله‌ای که باشند، از تولید تا نمایش، از انواع کمک‌های دولتی برخوردارند. این کمک‌ها به شکل اعانه، مزایا، کاهش عوارض، وام یا بهره پایین با تضمین‌های دولتی است. هدف از این کمک‌های دولتی این است که به آزادی فعالیت‌های سینمایی، جنبه «واقعی» ببخشند. اما عجیب است که این آزادی ممکن است از همین راه در معرض تهدید قرار بگیرد. بسیاری از ملاحظات و تأملاتی که در مورد کمک دولت به رسانه‌ها وجود دارد، بی‌تردید در مورد سینما نیز صادق است.

یک کمک دولتی بسیار گسترده و خودکار، نمی‌تواند نقش یا هدف خود را که فقط حمایت از شرکت‌ها و تولیداتی است که نیازهای اجتماعی را برآورده می‌کند به انجام برساند. شیوه‌ها و محاسبات این کمک‌ها به گونه‌ای است که به احتمال زیاد، عاید کسانی می‌شود که به علت سودهای کلانی که از فعالیت‌هایشان نصیب‌شان می‌شود، چندان نیازی به این کمک‌ها ندارند. اما اگر قرار باشد که در قبال برخورداران از این کمک‌ها، به صورت گزینشی عمل شود یا میزان متفاوتی از کمک‌ها به آنها اختصاص داده شود یا میان آنها تقسیم شود، بیم آن می‌رود که در این زمینه، به صورت جانبدارانه و تبعیض‌آمیز عمل شود یا به هر حال، مورد ایراد و اعتراض قرار گیرد.

اگر چه هدف از کمک‌های دولتی به فعالیت‌های سینمایی، تضمین آزادی این فعالیت‌هاست اما خود این کمک‌ها، می‌توانند به این آزادی آسیب برسانند یا دست کم، آن را در معرض تهدید قرار دهند. شاید نظام کمک‌های دولتی به سینما در فرانسه، علی‌رغم این پیچیدگی‌ها یا به علت این پیچیدگی‌ها نتوانسته است به طور کامل، از این تعارض خلاص شود.

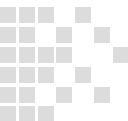
قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۵۹ که اصول بنیادین این کمک‌ها را مشخص می‌کند مقرر می‌دارد که هدف این حمایت دولت از صنعت سینما، عبارت است از: «اعطای وام، برای کمک به تأمین مالی تولید سینمای فرانسه، کمک به تجهیز سالن‌های نمایش سینمایی، اعطای کمک‌های مالی برای کمک به تولید فیلم‌های سینمایی فرانسوی که هم شامل کمک به تولیدکنندگان فیلم‌های بلند می‌شود و هم شامل توزیع‌کنندگان فیلم، کمک به تجهیز و نوسازی صنایع فنی سینما، حمایت از نگارش سناریوها و دیگر نوشته‌هایی که برای تولید آثار سینمایی به کار می‌روند، زمینه‌سازی برای توسعه سینمای فرانسه در خارج از کشور ... کمک به دارندگان سالن‌های هنری و آموزشی برای برنامه‌ریزی هر چه بهتر ...» با این وجود همانطور که سینماگران اشاره می‌کنند، این کمک به فعالیت‌های سینمایی، عملاً نه یک کمک دولتی، بلکه بیشتر و به طور دقیق‌تر، اگر نگوئیم کمک هر شرکت یا مؤسسه به خود است در واقع کمک این حرفه به خود است زیرا این اعانه‌ها که به طور تقریباً خودکار پرداخت می‌شود و به فیلم‌ها و شرکت‌های توزیع‌کننده اختصاص پیدا می‌کند، منبعی جز عوارض اجباری که خود سینماگران می‌پردازند، ندارد. عوارض مذکور، تحت‌عنوان «عوارض اضافی بر قیمت اماکن انتخاب شده برای نمایش فیلم‌ها» اخذ می‌شود و بدین ترتیب، بخشی از آن، مجدداً به خود آنها پرداخت می‌شود. نرخ پایین باز پرداخت، مانع از آن می‌شود که این سیستم کمک‌رسانی، به ویژه به نفع کسانی تمام شود، که شاید نیاز کمتری به آن دارند. بدین ترتیب، پیشرفته‌ترین شرکت‌های سینمایی و آسان‌ترین فیلم‌های فرانسوی و خارجی که بیشترین مخاطب را دارند، به واسطه این مکانیسم‌های کمک و توزیع مجدد، هزینه یک سینمای خلاق‌تر و دشوارتر را تأمین می‌کنند.

۲. تشویق به سرمایه‌گذاری

یکی دیگر از اشکال حمایت اقتصادی و مالی دولت به فعالیت‌های سینمایی، مقررات راجع به شرکت‌های تأمین مالی صنایع سینمایی و شنیداری و دیداری است.

مطابق ماده ۴۰۶ قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۵ که شامل مقررات متعدد اقتصادی و مالی است، پذیره‌نویسی سهام شرکت‌هایی که تنها فعالیت آنها، تأمین مالی آثار سینمایی یا شنیداری و دیداری دارای مجوز است، مشمول کاهش مالیات خواهد بود و این مالیات، محدود به ۲۵ درصد از درآمد اشخاص حقیقی خواهد بود. در مورد شرکت‌ها نیز بند ۵ ماده ۴۰ مقرر می‌دارد که برای وضع مالیات بر شرکت‌ها، از همان سال انجام سرمایه‌گذاری، شرکت‌ها می‌توانند از تخفیف ۵۰ درصدی برابر با ۵۰ درصد مبلغی که برای پذیره‌نویسی در شرکت‌های تأمین مالی صنایع سینمایی و شنیداری و دیداری پرداخت شده است، برخوردار شوند. این امر، تشویق مهمی برای سرمایه‌گذاری در بخش سینماست.

مشارکت مذکور، برای برخورداران از این مزایای مالی، باید در تأمین مالی آثار سینمایی دارای مجوز صورت بگیرد. براساس بند ۳ ماده ۴۰ قانون، «مجوز توسط وزارت فرهنگ به آثاری داده می‌شود که اصالت داشته باشند، به زبان فرانسه و دارای ملیت یکی از کشورهای اتحادیه



دیگری اتخاذ کند. حتی به صورت کلی تر، در این ماده پیش بینی شده است که پخش هرگونه آگهی بازرگانی به هنگام پخش یک اثر سینمایی توسط شرکت های ملی برنامه ... یا تلویزیون هایی که تأمین مالی آن، به عهده کاربران آن است، مطلقاً ممنوع است.»

با توجه به کمک ها و حمایت های خاصی که فعالیت های سینمایی از آن برخوردارند به نظر می رسد که امروزه این فعالیت ها در فرانسه، یارانه دریافت می کنند. ظاهراً این وضعیت اگر نه با آزادی سینما دست کم با نظریه لیبرال، چندان تطابق ندارد اما اگر دولت هیچگونه دخالتی در آن نداشته باشد، بخش بزرگی از شرکت های سینمایی به نابودی کشیده می شوند و بنابراین، تولید و توزیع بسیاری از فیلم ها غیرممکن می شود.

بخش دوم: فیلم های سینمایی

در مورد خود فیلم های سینمایی و نمایش و پخش عمومی آن، یک رژیم خاص حقوقی در مورد دخالت ها و کنترل های پیشاپیش بر سینما حاکم است که اصولاً برخلاف مختصات تشکیل دهنده یک سیستم آزاد ارتباط جمعی است زیرا مقامات اداری می توانند به علت محتوای برخی فیلم ها، از نمایش آنها جلوگیری کنند یا حداقل، اشکال و شرایط نمایش آن فیلم ها را محدود نمایند. نظام عمومی و مشترک که در این زمینه وجود دارد عبارت است از «کنترل پیشاپیش فیلم های سینمایی» که نظام ویژه ای نیز در مورد فیلم های مبتذل و تحریک کننده به خشونت در کنار آن وجود دارد.

گفتار ۱: نظام عمومی کنترل پیشاپیش

نمایش عمومی هرگونه فیلم سینمایی در فرانسه و صدور آن به منظور نمایش، مستلزم دریافت مجوز اداری پیشاپیش است و لذا برای نمایش یک فیلم، باید پروانه نمایش صادر شود. این نظام عمومی کنترل پیشاپیش، همان چیزی است که در زبان رایج، «سانسور سینمایی» نامیده می شود. اصولاً این مجوز که با تدابیر محدودکننده ای همراه است در سراسر قلمرو فرانسه، معتبر است. اما در عین حال، ممکن است نمایش یک فیلم، مشمول محدودیت ها یا ممنوعیت های اضافی و تکمیلی باشد که مقامات محلی در مورد آن تصمیم می گیرند و به آن، «کنترل محلی» گفته می شود.

۱- پروانه نمایش: براساس ماده ۱۹ قانون صنعت سینما، «نمایش و صدور فیلم های سینمایی، مستلزم دریافت پروانه است که توسط یک نهاد دولتی صادر می شود» که در حال حاضر، این نهاد، وزارت فرهنگ است. آئین نامه ۲۳ فوریه ۱۹۹۰، شرایط صدور پروانه را که پس از اخذ نظر کمیسیون طبقه بندی توسط وزیر فرهنگ صادر می شود مشخص می کند.

الف- کمیسیون طبقه بندی: آئین نامه ۲۳ فوریه ۱۹۹۰، ترکیب و اختیارات کمیسیون را تعیین کرده است.

ب- ترکیب: براساس ماده ۱ آئین نامه ۲۳ فوریه ۱۹۹۰، «کمیسیون طبقه بندی آثار سینمایی، شامل یک رئیس، یک رئیس علی البدل، ۲۵ عضو اصلی و ۵ عضو علی البدل است.» تحول اصلی که توسط مقررات جدید در این زمینه ایجاد شده است مربوط به نوع جلسات این کمیسیون است.

«رئیس و رئیس علی البدل برای دو سال و توسط نخست وزیر منصوب می شوند. اعضای اصلی و اعضای علی البدل نیز برای دو سال منصوب می شوند. آنها می توانند معاونانی هم داشته باشند. مطابق ماده ۲ آئین نامه ۲۳ فوریه ۱۹۹۰، «کمیسیون طبقه بندی، یا در مجمع عمومی خود تصمیم گیری می کند یا در کمیسیون های فرعی، فقط اعضای اصلی و علی البدل می توانند در مجمع عمومی شرکت کنند» و «معاونان، فقط

اروپا باشند و بتوانند از حمایت صنعت سینما برخوردار شوند، به استثنای آثاری که در لیست مذکور در ماده ۱۲ قانون مالیات سال ۱۹۷۶ ذکر شده اند و آثار سینمایی که برای تبلیغات مورد استفاده قرار می گیرند.

براساس ماده ۴۰، سهام پذیرهنویسی شده باید الزاماً اسمی باشند و یک شخص نمی تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بیش از ۲۵ درصد سرمایه شرکت های تأمین مالی و شنیداری و دیداری را در اختیار داشته باشد.

۳. رژیم حمایتی

یکی دیگر از راه های حمایت دولت ها از فعالیت های سینمایی این است که آنها با تصویب قوانین یا آئین نامه، از این فعالیت ها در برابر فعالیت های رقابتی و «مزاحم» رسانه های شنیداری و دیداری، به ویژه تلویزیون، حمایت می کنند. برخلاف نظریه «لیبرال»، این رژیم حمایتی، با محدودیت هایی که برای آزادی عمل بخش خصوصی ایجاد می کند به دنبال آن است تا از آزادی خلاقیت سینمایی حمایت کند.

مطابق ماده ۸۹ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲، «وقتی که یک اثر سینمایی در یکی از سالن های نمایش سینمایی در حال نمایش باشد نباید همزمان با آن، در دیگر ابزارهای ضبط فیلم، به فروش برسد یا برای استفاده خصوصی مردم، کرایه داده شود. به ویژه ارائه همزمان آن به صورت نوارهای ویدئویی یا ویدئو سی دی، پیش از پایان مهلتی که توسط مراجع صالح تعیین می شود و زمان آن از هنگام صدور مجوز نمایش آغاز می شود و بین ۶ تا ۱۸ ماه است ممنوع است. مصوبه دولتی مورخ ۴ ژانویه ۱۹۸۳ که برای اجرای ماده ۸۲ وضع شده است، اصولاً این مهلت را یک سال در نظر گرفته است.

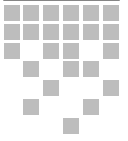
قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ «راجع به آزادی رسانه های شنیداری و دیداری» شامل مقرراتی است که به منظور حمایت از فعالیت های سینمایی وضع شده اند که در عمل، آزادی شرکت های رسانه های شنیداری و دیداری را در مورد نمایش فیلم ها در تلویزیون، محدود می کنند. اصول این تدابیر حمایتی، در بخش پنجم قانون «توسعه تولید سینمایی» ذکر شده است. مطابق ماده ۷۰ قانون سپتامبر ۱۹۸۶، «رسانه های شنیداری و دیداری که آثار سینمایی را منتشر می کنند، براساس کیفیت های تعیین شده توسط مجموعه شرایط قرارداد شرکت های ملی و مجوزهای اعطا شده به شرکت های بخش خصوصی، در توسعه فعالیت های سینمایی ملی مشارکت می کنند.»

براساس بند ۲ ماده ۷۰، «در مقررات راجع به پخش آثار سینمایی که در مجموعه شرایط قرارداد، مجوزها و آئین نامه های اجرایی قانون درج می شوند باید به امور زیر تصریح شود:

۱. تعیین میزان حداکثر پخش ها و پخش های مجدد آثار سینمایی در سال ۲. الزام به اختصاص اکثر این پخش ها به آثار اروپایی و آثاری که اصالتاً فرانسوی باشند ۳. جدول زمانی برنامه ریزی آثار سینمایی ۴. مهلت، که از زمان صدور مجوز نمایش آغاز می شود و پس از انقضای آن، پخش تلویزیونی این آثار، امکان پذیر خواهد بود.»

آخرین بند ماده ۷۰ قانون ۱۹۸۶ مقرر می دارد که: «مقررات مربوط به پخش آثار سینمایی توسط رسانه های شنیداری و دیداری، چه توسط بخش دولتی و چه بخش خصوصی که استفاده از آن، مستلزم پرداخت حق اشتراک از سوی کاربران نباشد، به یک صورت است.»

مطابق ماده ۷۳ قانون سپتامبر ۱۹۸۶، «در هنگام پخش یک اثر سینمایی توسط یک رسانه شنیداری و دیداری، فقط یک بار می توان آگهی بازرگانی پخش کرد مگر آنکه شورای عالی شنیداری و دیداری تصمیم



می‌توانند در کمیسیون‌های فرعی شرکت کنند.» «فقط مجمع عمومی می‌تواند در مورد هرگونه محدودیت نمایش یک اثر سینمایی تصمیم بگیرد.»

- اختیارات: کمیسیون طبقه‌بندی فقط یک نقش مشورتی دارد و فقط می‌تواند نظر خود را اعلام کند. این نظرات برای وزارت فرهنگ، الزام‌آور نیست. ولی هرگونه تصمیمی در این زمینه باید این نظرات را مورد توجه قرار دهد.

ب- وزارت فرهنگ: تصمیم‌گیری به عهده‌ی وزیر فرهنگ است. اوست که براساس ماده ۳ آئین‌نامه فوریه ۱۹۹۰، «پروانه نمایش را صادر می‌کند.» مطابق ماده ۲۰ این آئین‌نامه، او می‌تواند «کتباً صدور پروانه را به مدیر عامل مرکز ملی سینما تفویض کند.»

در ماده ۴ آیین‌نامه فوریه ۱۹۹۰ آمده است که «با توجه به نظر کمیسیون طبقه‌بندی، وزیر فرهنگ، در مورد طبقه‌بندی‌های مذکور در ماده پیشین، تصمیم‌گیری می‌کند. این طبقه‌بندی‌ها عبارتند از: پروانه نمایش برای عموم، پروانه شامل ممنوعیت نمایش برای کودکان زیر ۱۲ سال، پروانه شامل ممنوعیت نمایش برای کودکان زیر ۱۶ سال یا ممنوعیت کامل پخش اثر سینمایی و ثبت اثر سینمایی در لیست‌های مقرر شده در مواد ۱۱ و ۱۲ قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۷۵ که مطابق این مواد، نمایش فیلم‌های سینمایی که مشوق خشونت هستند برای همه کودکان ممنوع است. اصلاحات فوریه ۱۹۹۰ در این زمینه، ممنوعیت‌های مورد نظر را از ۱۳ به ۱۲ و از ۱۸ به ۱۶ سال کاهش داد. براساس ماده ۱۵ آئین‌نامه، این کاهش به طور خودکار در مورد فیلم‌های دارای پروانه که مشمول چنین محدودیت‌هایی هستند و پیش از تصویب این آئین‌نامه، پروانه دریافت کرده‌اند، اعمال می‌شود.

مطابق ماده ۴ آئین‌نامه فوریه ۱۹۹۰، «وزیر فرهنگ، پیش از تصمیم‌گیری می‌تواند خواستار بررسی مجدد از سوی کمیسیون طبقه‌بندی شود.» اگر وزیر بخواهد تصمیمی بگیرد که شامل تدابیر محدودکننده‌ای باشد که توسط کمیسیون طبقه‌بندی پیشنهاد نشده باشد الزاماً باید خواستار بررسی کمیسیون شود.» دریافت این پروانه برای نمایش هر فیلمی در سالن سینما ضروری است.

براساس ماده ۵ آئین‌نامه، «در صورتی که نمایش فیلم برای کودکان زیر ۱۲ یا ۱۶ سال ممنوع باشد یا اینکه نمایش فیلم‌های مبتدل با تحریک‌کننده به خشونت، برای کودکان ممنوع شده باشد، این ممنوعیت‌ها باید به صورت روشن و مفهوم، بر روی هرگونه آگهی و پیام تبلیغاتی در مورد اثر سینمایی مورد نظر، به هر شکلی که توزیع شود (مانند فیلم VHS یا VCD) ذکر شود.»

در بند ۲ و ۳ ماده ۵ آئین‌نامه ۲۳ فوریه ۱۹۹۰ نیز آمده است: این ممنوعیت باید پیش از پخش این اثر توسط یک رسانه تلویزیونی، چه به هنگام پخش و چه در آگهی‌های مربوط به برنامه‌ها که توسط مطبوعات، رادیو و تلویزیون پخش می‌شود به اطلاع عموم برسد. وقتی که اثر سینمایی به صورت ابزارهای تصویری برای استفاده شخصی عموم، ارائه می‌شود، باید ممنوعیت‌های راجع به اعطای پروانه نمایش، به صورت مشخص، بر روی هر یک از نمونه‌های تکثیر شده که کرایه داده می‌شود، یا به فروش می‌رسد و همچنین بر روی بسته‌بندی‌های آنها درج شود.» در عین حال، این امر صرفاً یک تدبیر برای آگاه‌سازی است که مانع فروش یا ارائه آنها به کودکان نمی‌شود.

ماده ۳۲ قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ راجع به «حمایت از کودکان» که مقررات متعددی در مورد ممنوعیت ارائه برخی اسناد به کودکان وضع کرده است به صراحت اشاره می‌کند که این اختیار ممنوع‌سازی، شامل

ابزارهای تصویری (مانند فیلم ویدئو و وی‌سی‌دی) و شنیداری و دیداری (به غیر از موارد مربوط به تصاویر مبتدل) که محتوی یک اثر سینمایی دارای مجوز پیش‌بینی شده در ماده ۱۹ قانون صنعت سینما باشند نمی‌شود.

۲. کنترل محلی: وجود کنترل ملی در مورد فیلم‌های سینمایی، مانع از آن نیست که مقامات محلی بتوانند در اجرای اختیارات خود، تدابیر محدودکننده یا تکمیلی را اتخاذ کنند. فقط کافی است که شرایط محلی خاص، چنین اقدامی را ایجاب کند.

حتی اگر برای فیلم، پروانه نمایش صادر شده باشد شهردار یا استاندار نیز می‌تواند تدابیر ممنوع‌کننده‌ای در مورد آن اتخاذ کنند زیرا نه تنها ممکن است نمایش آن، مشکلات جدی و غیرقابل حلی به وجود آورد بلکه شاید این امکان وجود داشته باشد که فیلم، با توجه به شرایط خاص محلی، غیراخلاقی محسوب شود. در کنار این نظام عمومی کنترل پیشاپیش درباره فیلم‌های سینمایی، نظام ویژه‌ای در مورد فیلم‌های مبتدل یا تحریک‌کننده به خشونت وجود دارد.

گفتار ۲: نظام خاص فیلم‌های مبتدل یا تحریک‌کننده خشونت

قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۷۵، راجع به بودجه سال ۱۹۷۶ در مواد ۱۱ و ۱۲ خود، نظام خاص فیلم‌های تحریک‌کننده به خشونت را تعریف کرده است. قانون مذکور، هم اشکال و شرایط تعیین فیلم‌هایی را که دارای این ماهیت هستند تعیین می‌کند و هم عناصر تشکیل‌دهنده این نظام ویژه، از جمله شرایط و چگونگی نمایش و به خصوص امور اقتصادی و مالی آنها را مشخص می‌کند.

۱- تعیین: ماده ۱۱ قانون امور مالی ۱۹۷۶ فقط مقرر می‌دارد که نمایش‌های سینمایی مشمول این نظام، «پس از اعلام نظر کمیسیون کنترل فیلم‌های سینمایی، توسط وزیر مأمور در امور سینما تعیین می‌شوند.» این ماده به عناصری که ملاک تعیین یک فیلم به عنوان فیلم مبتدل یا تحریک‌کننده خشونت هستند، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. بنابراین، ماده مذکور، اختیار گسترده‌ای را در زمینه ارزیابی به وزیر می‌دهد.

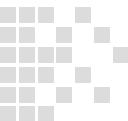
۲- شرایط نمایش: فیلم‌های مبتدل، فقط در سالن‌های ویژه‌ای قابل پخش هستند.

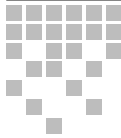
مطابق ماده ۳۴ قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸، راجع به «حمایت از کودکان»، هرگونه ابزار تصویری حاوی فیلم‌های مبتدل، «خودبه‌خود مشمول ممنوعیت» ارائه، اجاره و فروش به کودکان می‌شوند که در ماده ۳۲ همین قانون، پیش‌بینی شده است. به علاوه در ماده ۳۴ آمده است که «مقام اداری می‌تواند این فیلم‌ها را از هرگونه تبلیغ، منع کند.»

نمایش دادن فیلم‌ها در سالن‌های ویژه و رعایت تدابیر مربوط به ممنوعیت و محدودیت‌های فروش این فیلم‌ها به کودکان باعث می‌شود که این آثار و کسانی که آنها را تولید و نگهداری می‌کنند یا به نمایش می‌گذارند از هرگونه خطر پیگرد یا محکومیت به علت «در خطر قراردادن کودکان» یا عدم رعایت مسائل اخلاقی در امان بمانند.

مطابق ماده ۲۴-۲۲۷ قانون جزای فرانسه، «ساخت، حمل و پخش یک پیام خشونت‌آمیز یا مبتدل یا پیامی که به منزلت انسان، آسیب بزرگی وارد می‌کند، با هر وسیله‌ای که صورت بگیرد یا تجارت با چنین پیامی، هنگامی که امکان دیدن یا دریافت این پیام توسط یک کودک وجود داشته باشد» جرم است.

۳- نظام اقتصادی و مالی: بر مبنای ماده ۱۱ قانون بودجه سال ۱۹۷۶، نظام اقتصادی و مالی ویژه‌ای بر فیلم‌های مبتدل و تحریک‌کننده خشونت





بی‌تردید نظام قانونی سینما در فرانسه، شامل مقرراتی است که با عناصر تشکیل‌دهنده و مشخص یک سیستم آزاد ارتباط جمعی بسیار تفاوت دارند و حتی کاملاً برخلاف آن به نظر می‌رسند. در عین حال به نظر نمی‌رسد که تعدد دخالت‌های دولت در همه سطوح و مراحل با توجه به نوع استفاده از آنها و نوع کاربرد آنها و به ویژه با توجه به کنترل قضایی که در این زمینه وجود دارد، آزادی سینما را مورد تهدید قرار دهد بلکه برعکس می‌تواند این آزادی را بیشتر تضمین کند. هر چند که ممکن است عجیب باشد اما برخلاف آنچه که گمان می‌رود، مجموعه این مقررات، دخالت‌ها و کنترل‌ها آزادی بیان بسیار زیادی را برای سینما، سینماگران و مخاطبان به وجود می‌آورد.

حکم فرماست. این فیلم‌ها و تولیدکنندگان آنان، از هرگونه نظام کمک (شامل اعانه‌ها و مزایا) محروم و مشمول مقررات مالی سخت‌گیرانه‌تری هستند. آنها عوارض بیشتری بر ارزش افزوده می‌پردازند. از درآمدهایی که از راه این فیلم‌ها عاید تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و نمایش‌دهندگان در سالن‌ها می‌شود، ۲۰ درصد مالیات بیشتری دریافت می‌شود. فیلم‌های خارجی از این نوع که به فرانسه وارد و به نمایش گذاشته می‌شوند نیز مشمول عوارض ثابتی هستند. قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۵، تأمین مالی فیلم‌های مبتذل یا تحریک‌کننده به خشونت را توسط شرکت‌های تأمین مالی سینما و رسانه‌های شنیداری و دیداری (SOFICA) ممنوع می‌داند.

معرفی کتاب



و وظایف هر یک از عوامل رسانه‌ای نیز تبیین شود. بخش سوم مرز بین فعالیت‌های مجاز رسانه‌ای و فعالیت‌های موجد مسئولیت ترسیم شده است. امنیت ملی، اطلاعات طبقه‌بندی شده، حریم خصوصی، مالکیت‌های فکری، حرمت و حیثیت افراد، تبلیغات گمراه‌کننده و اخلاق در رسیدگی‌های قضایی از مهم‌ترین حدود فعالیت‌های رسانه‌ای هستند که در این بخش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در بخش پایانی کتاب، مسئولیت‌های مدنی و کیفری ناشی از نقض محدودیت‌های مقرر در بخش سوم، مفهوم این مسئولیت‌ها و شرایط تحقق آن‌ها، نحوه رسیدگی دادگاه‌ها به هر یک از دعاوی مدنی و کیفری و سرانجام آثار هر یک از مسئولیت‌های مذکور مورد مطالعه قرار گرفته است. قواعد تأسیس رسانه‌های همگانی و فعالیت در آن‌ها، قواعد تأسیس و فعالیت در رسانه‌های همگانی، انواع محدودیت‌ها و قواعد حاکم بر مشروعیت آن‌ها، مسئولیت‌های ناشی از منشورات مجرمانه و زیان‌بار در رسانه‌های همگانی، انواع مسئولیت‌ها و شرایط تحقق آن‌ها، نحوه رسیدگی به دعاوی علیه رسانه‌های همگانی یا روزنامه‌نگاران از جمله عناوینی است که در کتاب گنجانده شده است.

حقوق ارتباطات جمعی / دکتر باقر انصاری / انتشارات سمت / ۴۹۶ / انتشارات سمت صفحه / ۴۱۰۰۰ ریال / چاپ نخست / ۱۳۸۶

با توجه به حجم عظیم مباحث حقوق ارتباطات جمعی، این کتاب را می‌توان مقدمه‌ای برای معرفی مسایل مختلف حقوق ارتباط جمعی دانست. در این کتاب تلاش شده است صرف‌نظر از حقوق کشور خاص و نیز صرف‌نظر از رسانه خاص، به مطالعه قواعد عمومی حقوق ارتباط جمعی پرداخته شود. در این کتاب اسناد، کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین و رویه‌های حقوقی کشورهای مختلف به صورت مطالعه تطبیقی مورد توجه قرار گرفته است و نمونه‌هایی نیز برای تبیین بهتر مباحث ارایه شده است. کتاب در چهار بخش کلی تدوین شده است: در بخش نخست، مبانی نظری حقوق ارتباط جمعی مشتمل بر آزادی بیان، آزادی اطلاعات، استقلال رسانه‌ای، تکثیرگرایی رسانه‌ای و شیوه‌های تنظیم فعالیت‌های رسانه‌ای مطالعه شده است. در بخش دوم، قواعد و مقررات ناظر بر راه‌اندازی انواع موسسات رسانه‌ای و فعالیت در آن‌ها بررسی شده است. در این بخش، تلاش شده است تا حقوق

